

می گفتند اگر به ایران بروی تو را زندانی و شکنجه می کنند

آقای استغان شفر از خانواده خود بگویند ؟

من دو برادر و دو خواهر دارم . پدرم کارگر بود که مدت طولانی است از دنیا رفته . خانواده ما سطح متوسطی داشت. تفریح خودم ورزش و تماشای تلویزیون بود.

کجا مسلمان شدید ؟

من بی دین بودم ، البته در پاسپورت نوشته مسیحی اما مثل 95 درصد دیگر اعتقادی به دین نداشتیم. در مسجدی در فرانکفورت سه شهادت دادم ، اَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ و عیسی عبد الله . من هیچ وقت معتقد نبودم که عیسی پسر خدا است ، بنابراین تعجب کردم که چرا باید به عبد بودن عیسی شهادت دهم.

با گفتن این کلمات ، زندگی من عوض شد چون هدف من دیگر دنیا نبود بلکه هدفم آخرت شد .

برخورد خانواده شما چگونه بود ؟

در خانواده ما هر کسی برای خودش زندگی می کند . مادرم گفت این زندگی تو است و هر جور که تو می خواهی! جالب است من با برادرم صحبت کردم که می خواهم به ایران بروم . او گفت ایران خیلی خطرناک است . زیرا اخبار ضد ایرانی در آلمان زیاد است که همه دروغ است . می گفتند اگر به ایران بروید شما را زندانی و شکنجه می کنند .

در آلمان ، اهل مهمانی و خوشگذرانی بودید؟

گاهی شرکت می کردم اما اصلا برایم جذاب نبود . یاد هست زمانی که کمتر از بیست سال داشتم در یک دیسکو شرکت کردم اما صدای در آنجا آنقدر بلند بود که گوشه‌ایم درد گرفت!

خانم شما شغلتان چی هست؟

خانم : من جلالی هستم دانشجوی دکترای کامپیوتر و در حال حاضر به تدریس و تحصیل مشغولم .

چگونه با هم آشنا شدید ؟

خانم : یک دوست مشترک که من و آقای عبد الله را می شناخت باعث شد.

انتخاب یک فرد آلمانی برای شما ، که فارسی را هم بلد نیست سخت نبود ؟

خانم : آنها انتخاب نکردند بلکه پیشنهاد دادند ، من خودم انتخاب کردم ! اگر شخصی دنبال ملاک های اخلاقی نباشد ممکن است عبدا را نپذیرند اما صداقت و لطافت و دین عمیق و پاکی داشت بسیار دوست داشتنی است .

خانم جلالی زندگی با آقای شفر چگونه است ؟

خانم : خیلی عالی . چون عبدا اصولی در زندگی دارد که آن اصول را دین تعیین می کند . ایشان خیلی منطقی هستند . این نه اینکه در زندگی احساسی ندارند . بلکه بر پایه احساسات تصمیم نمی گیرند .

آقای استغان شوفر به مادر و پدر خانم خود احترام می گذارید؟

احترام آنها نه تنها واجب است بلکه من خیلی آنها را دوست دارم.